

میراث صدرالصدور

وحید رأفتی

شرح احوال جناب سید احمد صدرالصدور همدانی را جناب عزیزالله سلیمانی به تفصیل در کتاب مصابیح هدایت (۱)، به رشته تحریر کشیده‌اند و کتاب مزبور در سال ۱۱۸ بدیع (۱۹۶۱م) در طهران انتشار یافته و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

جناب نصرالله رستگار طالقانی نیز که خود از شاگردان میرز جناب صدرالصدور بوده‌اند، شرح احوال مفصل جناب صدرالصدور و خاطرات خود را به تفصیل مرقوم داشته‌اند که به صورت کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور (۲)، در طهران طبع و انتشار یافته است.

جناب فاضل مازندرانی نیز در کتاب ظهورالحق جلد هشتم (۳)، شمه‌ای از خدمات و مناقب جناب صدرالصدور را مرقوم فرموده‌اند و این کتاب نیز در سنه ۱۳۱ بدیع (۱۹۷۴م) طبع و منتشر شده است.

مراجعه به منابع فوق برای آشنائی کامل با شرح احوال و آثار جناب صدرالصدور کافی است اما چون ذکر جمیل آن قدوه حسنه مبارکه موضوع اصلی در این انجمن نورانی است به اختصار به شرح احوال ایشان اشاره می‌نماید و میراث جناب صدرالصدور را با تأملی بیشتر مورد مطالعه قرار می‌دهد.

جناب صدرالصدور نامش سید احمد و فرزند حاجی سید ابوالقاسم صدرالعلماء همدانی بود. او در حدود سنه ۱۲۸۵ هـ ق (۱۸۶۸م) در همدان متولد شد و در سنین طفولیت در معیت پدرش به حج مکه مکرمه فائز گشت و تحصیلات خود را نیز در نزد پدر و سایر مدرّسین علوم دینیّه در همدان، اصفهان و عراق به اتمام و اکمال رسانید و به علوم شرعیّه و حکمت متعالیه و عرفان و کلام اسلامی و نیز علوم و معارف ادبیّه دست یافت. صدرالصدور در حدود سال ۱۳۱۵ هـ ق (۱۸۹۷م) از طریق جناب حکیم موسی که از ابناء خلیل و به امر بهائی مؤمن و طیب خانوادگی جناب صدرالصدور بود با امر بهائی آشنا گردید و میرزا مهدی ارجمند همدانی و بعضی دیگر از بهائیان همدان آتش تحقیق درباره معارف دیانت جدید را در وجودش شعله‌ور ساختند.

صدرالصدور پس از آشنائی با امر بهائی در همدان راهی طهران گشته، لقب صدرالعلمائی را که پدرش به آن ملقب بود گرفت و در طهران رحل اقامت افکنده، در مدرسه خان مروی به تدریس پرداخت و در عین حال چندی به جرگه اهل تصوف وارد شده به ملاقات چند نفر از مبلغین بهائی نیز توفیق یافت. جناب صدرالصدور در اثر این ملاقات‌ها و استماع آیات و مطالعه آثار ظهور جدید، اشتیاقش به درک حقایق امر بایی و بهائی بیشتر شد و سرانجام به جرگه اهل ایمان پیوست. ورود صدرالصدور به امر بهائی آغاز قیام او به تبلیغ و تبشیر دیانت بهائی و شرح و توضیح و تدریس و تعلیم بشارات و وعود کتب مقدسه درباره ظهور موعود بود. او به تدریج با کثیری از اهل معارف دینیّه به بحث و مذاکره پرداخت و در حدود سال ۱۳۲۱ هـ ق (۱۹۰۳ م) مجلس درس و مذاکره تأسیس نمود و به تدریس نتایج تمعن و تحقیق وسیع خود در ارتباط فکری و مذهبی امر بهائی با ادیان دیگر اشتغال جست. بعضی از علمای طهران چون چنین دیدند به مخالفت با او قد برافراشتند و در مساجد و برفراز مناظر بر او و معتقدات جدیدش اعتراض نمودند. جمعی از جوانان بهائی نیز واله و مجذوب مقامات علمی، نیکی محضر، نجابت و تواضع جبلی او شده، گردش حلقه زدند و مجالس درس و بحث و استفاضه منعقد ساختند.

ایمان جناب صدرالصدور به امر بهائی و آغاز اقدامات تبلیغی و تعلیمی او، باب مکاتبه با حضرت عبدالبهاء و ارسال عرایض شوق و اشتیاق به محضر آن حضرت را بر وجه جناب صدرالصدور مفتوح ساخت و در آثار متعدّد و مهمّی که در طیّ چند سال به اعزاز جناب صدرالصدور از قلم آن حضرت عزّ صدور یافت به "صدرالصدور" ملقب گردید و در مکاتیب عدیده حضرت عبدالبهاء به "معین علم و دانائی"، "واقف اسرار و سرور ابرار"، "کاشف اسرار" و "حمایه حدیقه بقا" مخاطب گشت و قیام و اقدام و مساعی جمیله و همم عالیّه‌اش مورد نعت و ستایش حضرت مولی‌الوری قرار گرفت. (۴)

صدرالصدور، روز و شب به تدریس و تبلیغ و تحریر مشغول شد. محفل درس تبلیغش محلّ آموزش علوم دینی و معارف بهائی گشت و آنان که در این مجالس شرکت جستند بهره‌فیر گرفتند، مشتعل شدند، بنیه روحانی یافتند، قیام نمودند و نتیجه این همم به وجود آمدن نقطه عطفی در تاریخ تحولات تبلیغی امر مبارک در جامعه بهائیان طهران بود. نقش جناب صدرالصدور و تأثیرات مستقیم و سازنده او در این تحولات به حدّی بارز بود که در زیارت نامه‌ای که پس از صعودش از قلم حضرت عبدالبهاء جاری شد او را "المؤسس لتدریس التبلیغ" توصیف فرمودند. (۵)

متأسفانه عمر صدرالصدور برای ادامه خدمات باهره پر ثمرش در این میادین چندان نپائید و ده سال از حیات ایمانی و چهل سال از حیات عنصریش بیشتر سپری نشده بود که در ۵ ربیع الاول سنه ۱۳۲۵ هـ ق (۱۹ آوریل ۱۹۰۷ م) رخت به سرای دیگر کشید و وجود مسعود مبارکش از دیده‌ها پنهان گشته، در امامزاده معصوم طهران به خاک سپرده شد و جامعه‌ای را به حسرت و اندوه عمیق مبتلا ساخت. پس از صعود نابهنگام این "مستوقد نار محبّه‌الله" در زیارت نامه‌ای که به اعزازش عزّ صدور یافت و ذکر آن گذشت، حضرت عبدالبهاء فقدان صوری او را چنین وصف می‌فرمایند:

«... حرم المستمعون عن استماع كلامك و المبصرون عن مشاهدة جمالک و الطالبون لتلقى بيانک...».

در این مقام شایسته چنان است که قبل از پرداختن به شرح میراث معنوی جناب صدرالصدور فقراتی از آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء را که پس از صعود آن جناب عزّ صدور یافته، نقل نمایم تا در خلال این آثار هم محامد و نعوت آن شخص شخیص به احسن وجه گفته آید و هم ارزش، اهمیّت و تأثیر شگرف خدمات بهیّه‌اش از نظر حضرت عبدالبهاء روشن و واضح گردد.

حضرت عبدالبهاء در لوح ابناء جناب صدرالصدور چنین می‌فرمایند:

«به واسطه جناب آقا عزیزالله خان زائر

جناب آقا سیدعلی و جناب آقا سیدرضا و جناب آقا سید جواد ابناء حضرت صدرالصدور علیهم بهاءالله الابهی

ای بازماندگان آن صدرالمقرّین جناب عزیزالله خان در نزد مشتاقان نام آن عزیزان بر زبان راند و ذکری از آن نورسیدگان انجمن محبّت‌الله فرمود. این عبد به حضرت صدر جلیل تعلقی و تعشقی زایدالوصف داشت زیرا شبستان هدایت را شمع روشن بود و در گلستان عرفان به طراحی گل‌های حقائق و معانی می‌پرداخت، نطقی فصیح داشت و بیانی بلیغ و در نهایت خلوص و انقطاع در امر بدیع ساعی بود و چون صعود نمود نهایت احزان حصول یافت ولی الحمدلله که آن ابناء را یادگار بگذاشت. حال غایت مقصود این عبد آن است که آن نهال‌های باغ الهی مانند پدر، درختان بارور گردند و برگ و شکوفه و ثمر بخشند. پس باید شب و روز دمی نیاسائید و آرام نگیرید، به تحصیل معارف پردازید و در دبستان حقیقت در نزد ادیب عشق درس و سبق آموزید تا سبب تسلی خاطر این مشتاقان گردید و علیکم البهاء الابهی. ع. ع. (۶)

و نیز حضرت عبدالبهاء در لوحی که به ظنّ قوی خطاب به اعضای محفل روحانی طهران عزّ
صدور یافته چنین می‌فرمایند:

«هو الله اللهم يا من تجلّى على الحقائق النوراء بتجلّى العلم والهدى... حضرت صدرالصدور الفائز
بالمقام الاعلى فى عالم السرور روح المقرّبين له الفداء تأسيس محفل تعليم نمودند و ایشان اول
شخص مبارکی هستند که اساس این امر عظیم نهادند. الحمد لله در ایام خویش نفوسى را تربیت
نمودند که الیوم در نهایت فصاحت و بلاغت مقتدر بر اقامه ادله و براهین الهی هستند و
فى الحقیقه این تلامذه سلاله طاهره روحانیّه آن مقرب درگاه کبریا هستند و بعد از صعود ایشان
بعضی از نفوس مبارکه اقدام در ابقاء تعالیم و تعلّم فرمودند و این مسجون از این خبر بی نهایت
مسرور شد حال نیز در نهایت تأکید رجا از احبّای الهی می‌نمایم که بقدر امکان بکوشند و در
توسیع دائره تعلیم آنچه بیشتر سعی نمایند خوش‌تر و شیرین‌تر گردد. حتّی احبّای الهی چه صغیر و
چه کبیر و چه ذکور و چه اناث باید هر یک بقدر امکان در تحصیل علوم و معارف و فنون متعارف،
چه روحانی چه امکانی بکوشند و در اوقات اجتماع مذاکره کلّ در مسائل علمیّه و اطلاع بر علوم و
معارف عصریّه باشد اگر چنین گردد به نور مبین آفاق روشن نمایند و صفحه غبراء گلشن ملکوت
ابهی گردد و علیکم البهاء الابهی. ع ع». (۷)

و نیز حضرت عبدالبهاء در لوح جناب ابن ابهر چنین می‌فرمایند:

«بمبای حضرت ایادی امرالله جناب ابن ابهر علیه بهاء الله الابهی
هو الله ای منادی پیمان مکتوب مفصل به تاریخ ۱۸ جمادى الاول ۱۳۲۵ وصول یافت و به دقت
قرائت گردید. صعود حضرت صدرالصدور فى الحقیقه مورث حزن قلوب و شرحه شرحه گشتن
صدور گردید، دل‌ها سوزان شد، دیده‌ها گریان گردید، حسرت احاطه نمود، کدورت و افسوس
مستولی شد، آتش احزان چنان زبانه کشید که دل و جان به فوران آمد و آه و این یاران دیرین به
عالم علیین رسید. فى الحقیقه شخص عظیم بود و جلیل و رفیع بود و نبیل، مبین حجّت و برهان
بود و مقرر دلائل و براهین حضرت یزدان، اطفالی تربیت فرمود که الیوم ممتازند و بی نیاز و به اسرار
الهی همدم و دمساز. باری مقدر چنین بود که آن روح امین به ملکوت نور مبین صعود فرماید پس
آه و این را ثمر نه لیس لنا الا ان نتعلّق بحبل الصبر المنصرم و نتجلّد فى النار المضطرم و نستمرّ على
اراقه الدمع المنسجم...».

و نیز از قلم حضرت عبدالبهاء درباره جناب صدرالصدور در لوح جناب میرزا فرج الله ابن آقا محمد مهدی چنین عَزَّ صدرور یافته است:

«به واسطه حاجی میرزا عبدالله

طهران جناب میرزا فرج الله ابن آقا محمد مهدی نبیره آقا محمد علی پشتی باف علیه بهاء الله الابهی هوالله ای بنده حق مکتوب مفصل به دقت ملاحظه گردید فرصت نیست مختصر جواب مرقوم می شود. در تحصیل لسان انگلیسی نهایت همت مجری دارید و اکمال کنید. از صعود حضرت صدرالصدور به رفیق اعلی نه چنان احزان احاطه نموده که به بیان آید ولی حکمت چنین اقتضاء می نمود که این مصیبت کبری واقع گردد و تأثیرش شدید است. بعد از صعود جمال ابهی روحی لأحبائه الفداء عبدالبهاء در هیچ مصیبتی چنین متأثر نشد ما لنا الا التسلیم بالقضاء و الصبر و الرضاء علی هذه المصیبة الکبری. تسلی قلوب ممکن نه و تعزیت محال. مگر آن که جناب آقا میرزا نعیم و جناب حاجی میرزا سید علی از اهل صاد و جناب نیر و جناب سینا همتی فرمایند و اقدامی کنند و به عزمی آسمانی و همتی ربانی و قصدی الهی به تعلیم تلامذه آن شخص جلیل و به تربیت اطفال نورسیدگان پردازند و درس تبلیغ دهند و از علوم بقدر لزوم بهره و نصیب بخشند شاید این قلب محزون را تسلی حاصل گردد و سکون و قراری جلوه نماید و علیک البهاء الابهی. ع ع» (۸)

و نیز در لوح جناب سر رشته دار از قلم حضرت عبدالبهاء چنین عَزَّ صدرور یافته است:

«طهران جناب سر رشته دار علیه بهاء الله الابهی

هوالله ای ثابت بر پیمان نامه رسید و از سفر خوار و سمنان و سنگسر و ساران و گیلان و محال دماوند و رجوع به طهران اطلاع حاصل گردید... از صعود حضرت صدرالصدور مرقوم نموده بودید آن مشکاة نور و مقتبس شعله طور فی الحقیقه ایام حیات را وقف خدمت رب غفور نمود و به عبودیت حضرت احدیت مداومت فرمودند، نفوسی را زنده کردند و جمعی را آزاده فرمودند، تأسیس درس تبلیغ کردند و به لسانی بدیع و بلیغ تعلیم فرمودند. این تأسیس ابدی است به تسلسل خواهد رفت و روح آن بزرگوار در جهان اسرار الی الابد مسرور و پایدار خواهد بود و نام مبارکش در انجمن عالم آهنگی برافزاد که طیور الهی را به حرکت و طیران آرد. باری عبدالبهاء در نهایت رضا از او، از ملکوت ابهی طلب فوز و فیض بی منتهی خواهد و علیه بهاء الله الابهی...».

آنچه از آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء نقل شد برای نشان دادن اهمیّت، نفوذ و تأثیر خدمات جناب صدرالصدور برهانی کافی و شاهدهی گویا است. مطلبی که در ادامه این بحث مطمح نظر قرار خواهد گرفت تأمل در میراث جناب صدرالصدور است که در مقام اوّل شامل آثار قلمی باقیمانده از آن نفس نفیس است.

مهمّ‌ترین و مفصّل‌ترین اثر جناب صدرالصدور کتاب استدلالیه عظیم ایشان است که لمعات خمس و تجلیات شمس نام دارد. تا آنجا که بر حقیر معلوم است این کتاب هنوز به طبع نرسیده، اما محتملاً همان کتابی است که حضرت عبدالبهاء در لوح جناب شیخ فرج‌الله کردی اجازه طبع آن را صادر فرموده بوده‌اند، چه در لوح مزبور چنین آمده است که: «... اما طبع کتاب درس التبلیغ لحضرة صدرالصدور فلا بأس به...». (۹)

علل عدم طبع و انتشار این کتاب بر این عبد معلوم نیست، شاید حجم عظیم کتاب و صعود نابهنگام مؤلف جلیل‌القدر آن، نقشی در این میان داشته باشد. اما آنچه معلوم است نسخ خطی این کتاب مورد رجوع و استفاده اهل فضل قرار گرفته و گه‌گاه به محتویات آن اشاره شده است. از جمله جناب اشراق خاوری در کتاب ایام تسعه در بحث از پیشگوئی‌های گذشتگان درباره دوره حضرت ولیّ امرالله خوانندگان کتاب خود را «... برای تفصیل و اطلاع بیشتر به استدلالیه حضرت صدرالصدور همدانی...» ارجاع داده‌اند. (۱۰)

و جناب فاضل یزدی نیز در کتاب مناهج الاحکام خود، طالبین مطالعه مطالب استدلالی مبنی بر حقیّات ظهور را به مراجعه به استدلالیه حضرت صدرالصدور دعوت فرموده‌اند. (۱۱)

علّت مباشرت جناب صدرالصدور به تحریر کتاب لمعات خمس غیر از درخواست دوستان و علاقمندان، وصول لوحی از حضرت عبدالبهاء بوده که به تاریخ رمضان سنه ۱۳۱۵ هـ ق (فوریه ۱۸۹۸ م) مورّخ است و با این عبارات آغاز می‌گردد:

«یا من انجذب بنفحات القدس قد تلوت آیات شکرک لله القدیم بما هداک الی صراط مستقیم...».

در پایان این لوح چنین آمده است:

«... ای منجذب الهی اگر سرور و فرح وجدانی عبد بهاء را خواهی رساله‌ای تألیف نما و اثبات عبودیت و رقیّت این عبد را در آستان جمال ابهی بنما تا من به لحن خوش تلاوت نمایم و جانم

شادمان گردد و روح مهتر شود و البهاء علی کل من ینطق بعبودیتی فی عتبه البهاء و ثبت رقیّتی
فی فناء البهاء. ع». (۱۲)

کتابی که جناب صدرالصدور در پاسخ به اشاره حضرت عبدالبهاء مرقوم داشته‌اند عمده در خصوص استدلال به حقانیت امر حضرت نقطه اولی و ظهور جمال اقدس ابهی و طلوع طلعت حضرت عبدالبهاء است. در این اثر منیف بشارات قرآنی و مواعید مندرج در سنن و روایات نبوی و مندرجات خطب علوی و اخبار و احادیث ائمه اطهار در ضمن فصول و ابواب عدیده تنظیم و تنسیق گردیده و از طریق استشهاد به معارف اهل تسنن و تشیع و با کوشش در ایجاد توافق بین کلام الهی در قرآن مجید و روایات و احادیث اسلامی استدلال به حقانیت ظهور جدید و چگونگی تطبیق مواعید و مواقیت مندرجه در این آثار با کیفیت ظهور و تطور و وقایع امر بدیع نشان داده شده است.

مطالب مقدماتی کتاب لمعات خمس با مطالعه و بررسی طریقه معرفت مظاهر مقدسه و مفاهیم معجزات و معانی قیامت و رستاخیز آغاز می‌گردد و سپس در فصول عدیده مطالب مربوط به ظهور قائم آل محمد و شخصیت و دعوت و علائم ظهور او و احوال اصحابش مورد مطالعه قرار گرفته است.

بخش بعدی کتاب متضمن اثبات حقانیت امر جمال قدم است. در این مبحث نیز در ضمن فصول متعدده بشارات ائمه اطهار به ظهور کلی الهی، اخبار مشعر بر طلوع نیر حقیقت از شرق، حالات جمال قدم در هجرت به دارالسلام، ادرنه و عکا و اخبار حاکی از تعیین محل ظهور و مصائب وارده بر آن حضرت بر اساس آیات و روایات اسلامی مورد شرح و بسط واقع شده است. بخش دیگر کتاب به نقل اخبار و روایات مشعر بر اثبات طلوع شمس طلعت حضرت عبدالبهاء اختصاص یافته و اسم و رسم و مختصات ایام آن حضرت با نقل آیات و احادیث مربوطه شرح و بسط شده است.

بخش مفصل دیگری از کتاب لمعات خمس در نقل و تشریح بشارات منزله در کتب الهیه و صحف سماویّه است که به چند فصل تقسیم گردیده است. فصلی به نقل بشارات وارده در کتب پارسیان و زردشتیان اختصاص یافته و در فصول دیگر بشارات تورات و مواعید و اشارات انجیل و سرانجام آنچه در قرآن مجید آمده است نقل و به دقت شرح و تفسیر شده است.

بخش آخر کتاب لمعات خمس حاوی بشارات و اشارات موجود در آثار، اشعار و کتب عرفای اسلامی و اهل تصوف است. در این بخش جناب صدرالصدور به مطالعه و نقل آثار کسانی نظیر محیی‌الدین ابن عربی، سیدحسین اخلاطی، سعدالدین حموی و مندرجات کتاب خمس المعارف الکبری اثر امام احمد بن علی البونی پرداخته‌اند.

آن چه در لمعات خمس آمده است نشان از آن دارد که جناب صدرالصدور در تألیف شگرف خود خوضی عمیق در بحر کتب مقدسه نموده، ده‌ها مجلد از کتب تفاسیر قرآنی و احادیث و روایات اسلامی را مورد پژوهشی دقیق قرار داده و در آثار صنادید اهل تصوف تأمل و تحقیقی وسیع به عمل آورده و نتایج یافته‌های خود را با تطبیق آنها با شرائط و اوضاع و احوال ظهور جدید به صورت کتابی عظیم و معتبر به رشته تحریر و تنظیم کشیده است. چون در سطور آینده و هنگام مطالعه استدلالیه مختصر ایشان به معرفی اجمالی بعضی از اهم منابع و مآخذ جناب صدرالصدور خواهیم پرداخت، در این مقام از مطالعه این مبحث صرف نظر نموده به این نکته اشاره می‌نمائیم که محتملاً تدریس مندرجات کتاب لمعات خمس ضمن موادّ تعلیمی کلاس‌های درس تبلیغ جناب صدرالصدور قرار داشته و در نتیجه بعید به نظر نمی‌آید که به تدریج بر تنوع، حجم و جامعیت مندرجات آن افزوده شده باشد. باعث سرور اهل بصیرت و در غایت اهمیت است که مسوده این کتاب و احیاناً همه نسخ خطی آن در آینده ایام به دست آید و با مقابله و تطبیق آنها با یکدیگر نسخه جامع و کاملی از این اثر به طبع رسد و در اختیار علاقمندان قرار گیرد. (۱۳)

با توجه به مساعی علمی جناب ابوالفضائل در تحریر و نگارش اهم کتب استدلالیه خود نظیر فصل الخطاب در ۱۳۱۱ هـ ق (۱۸۹۳ م)، کتاب فرائد به سال ۱۳۱۵ هـ ق (۱۸۹۷ م)، کتاب درالبهیّه به سال ۱۳۱۸ هـ ق (۱۹۰۰ م)، کتاب حجج البهیّه به سال ۱۳۱۹ هـ ق (۱۹۰۱ م) و نیز طبع و انتشار کتاب دلائل العرفان اثر حاجی میرزا حیدرعلی اصفهانی به سال ۱۳۱۲ هـ ق (۱۸۹۴ م)، دهه ۱۳۱۰ - ۱۳۲۰ هـ ق (۱۸۹۲ - ۱۹۰۲ م) را باید از بارورترین سنین تهیّه و تحریر و نشر مفصل‌ترین و اساسی‌ترین کتب استدلالیه اهل بهاء دانست، دهه‌ای که در آن کتاب لمعات خمس جناب صدرالصدور نیز به ظهور رسیده و به صورتی نمایان بر غنای آثار گذشتگان افزوده است.

اثر دیگر جناب صدرالصدور استدلالیه مختصر صدرالصدور نام دارد که به تقاضای مسیو هیپولیت دریفوس و خانم کلیفورد بارنی در هنگام سفر آنان به ایران به سال ۱۳۲۴ هـ ق (۱۹۰۶ م)

به رشته تحریر در آمده است. جناب صدرالصدور این استدلالیه را به خط خود مرقوم و به آنان هدیه نموده‌اند و از قرار معلوم آنان نیز رساله مزبور را در هنگام تشرّف خود به حضور حضرت عبدالبهاء تقدیم کرده‌اند، چه در لوحی که به تاریخ ۱۳ محرم ۱۳۲۵ هـ ق (۲۶ فوریه ۱۹۰۷ م) به اعزاز جناب صدرالصدور عزّ نزل یافته چنین مسطور است:

«... باری امة‌البهاء بارنی خیلی از دوستان ایران راضی و شب و روز ستایش می نمود، حال به اقلیم غرب شتافت تا در آنجا داستان احبّای شرق بگشاید تا آتش عشق جمال ابهی شعله زند و قلوب را به نفحات قدس مؤانس نماید، شور و ولهی در افتد و ولوله و آهنگی بلند گردد، دعا کنید که موفق و مؤید شود. رساله شما را نیز تقدیم نمود تا به حال آنی فرصت نیافتم که مطالعه نمایم ولی او هر روز اصرار می نمود و رجای خواندن آن رساله می کرد. ان شاءالله در این چند روزه که احبّای مسافرین را روانه می نمایم قدری فرصت به دست آید و به قرائت آن رساله پردازم. جمیع یاران الهی را تحیت مشتاقانه برسان و علیک البهءالابهی. ع ع». (۱۴)

این استدلالیه بعدها از مرکز جهانی بهائی به ایران ارسال شده و در ۱۰۳ صفحه از روی خط جناب صدرالصدور گراور و به سال ۱۳۲ بدیع (۱۹۷۵ م) با مقدمه‌ای از لجنه ملی تصویب تألیفات امری طبع و انتشار یافته است. در مقدمه مزبور از جمله چنین آمده است:

«... این کتاب به خط شخص مؤلف تاکنون در دارالآثار بهائی در جوار مقامات متبرکه علیا محفوظ بوده و اخیراً نسخه‌ای از سواد عکسی آن به این لجنه عنایت شده است که اینک قسمت عمده آن با عکس برداری از خط مؤلف به منظور حفاظت از فناء و زوال و برای استفاده خواص اهل کمال به تعداد محدودی منتشر می شود...». (۱۵)

استدلالیه مختصر جناب صدرالصدور در سال ۲۰۰۴ م، به خط جناب یحیی جعفری خوشنویسی شده و در ۱۱۰ صفحه به علاوه ضمائ و مقدمات به وسیله مؤسسه "سنچری پرس" (Century Press) در استرالیا تجدید طبع گردیده است. استدلالیه مختصر جناب صدرالصدور حاوی یک مقدمه و دو مقصد است. مقدمه جناب صدرالصدور در شرح کیفیت استدلال به آیات و روایات اسلامی است.

مقصد اول این استدلالیه در اثبات حقانیت حضرت باب است که آن را بر پنج اصل مبتنی ساخته‌اند:

اصل اول - در ذکر اخباری که دال است بر قائمیت جوانی از بنی هاشم.

اصل دوم - در ذکر اخباری که مشعر است بر تعیین اسم آن بزرگوار.

اصل سوم - در ذکر اخباری که مشعر است بر تعیین سال ظهور.

اصل چهارم - در بیان حالات آن حضرت. در ذیل این اصل جناب صدرالصدور مطالب خود را در پنج فصل به اختصار به رشته تحریر کشیده‌اند.

اصل پنجم - در ذکر حالات اصحاب و خلفاء آن حضرت است. در ذیل این اصل نیز مطالب لازمه در ضمن سه فصل به رشته تحریر در آمده است.

مقصد دوم در استدلالیه مختصر جناب صدرالصدور در ذکر اخباری است که بنا به نوشته ایشان: «... متضمن است اثبات امر جمال قدم جلّ ذکرة الاعظم را از طلوع شمس طلعت اعلی از افق اقدس ابهی و شرح اسم و رسم و تعیین محلّ و سال ظهور و حالات اصحاب و احباب و عنوان داعیه سلطان اقلیم احدیت و بیان هجرت به بریه الشّام و ارض مقدّس عکا». (۱۶)

جناب صدرالصدور مطالب مندرج در ذیل مقصد دوم را نیز در چهار اصل به شرح ذیل به رشته تحریر در آورده‌اند:

اصل اول - در ذکر اخباری که متضمن است بشارت ظهور مبارک را بر اثر امر نقطه اولی جلّ اسمہ الاعلی به عنوان رجعت حسینی و ظهور مهدی.

اصل دوم - در ذکر اخباری که مشعر است بر طلوع شمس جمال قدم از نقطه مشرق و بلاد عجم. اصل سوم - در ذکر اخباری است که مشعر است بر حالات جمال قدم. در ذیل این اصل مطالب لازمه در ضمن چهار فصل شرح و بحث شده است.

اصل چهارم - در ذکر اخباری است که مشعر بر هجرت جمال اقدس ابهی به شام و دمشق و بیت المقدّس و ارض اقدس عکا می‌باشد. مطالب این اصل نیز در ضمن سه فصل به رشته تحریر در آمده و استدلالیه مختصر جناب صدرالصدور با عبارت "این بنده شرمنده احمدالموسوی الهمدانی" (۱۷) به پایان رسیده است.

مطلبی که در استدلال به حقیقت ظهور موعود از طریق شواهد قرآنی و روایات و احادیث اسلامی از امّات مطالب محسوب می‌گردد، کیفیت استشهاد و استدلال به این دو منبع اصلی معارف اسلامی است که جناب صدرالصدور در مقدمه خود به شرح و بسط کامل این مطلب پرداخته‌اند. نقل تمام مطالب ایشان در این مقام نظر به محدودیت مکان ضرورت ندارد اما به اختصار نظر جناب صدرالصدور در کیفیت نقل آیات قرآنی و روایات مشعر بر وقایع و مواعد ظهور

در آخر الزمان مبتنی بر این اصل است که نه استدلال به قرآن بدون رجوع به روایات و احادیث متقنه وافی به مقصود است و نه اکتفاء به منطوق احادیث بدون توافق و تطبیق آنها با نصوص قرآنی صحیح و منطقی است. زیرا ملاک صحت و سقم هزاران حدیث و روایتی که در این موارد در کتب احادیث اسلامیّه آمده است باید انطباق آنها بر آیات کلام الله باشد که خود میزان همه موازین دیگر است. نظر بر این اصل کلی جناب صدرالصدر اساس استدلال خود را آیات کریمه قرآنیّه قرار داده و برای هر مطلبی از احادیث و روایاتی که از طریق اهل تسنّن و تشیع روایت گشته و در موافقت با میزان قرآنی است به استشهاد و استدلال مطالب لازمّه پرداخته اند.

نکته دیگری که در استدلالیّه مختصر صدرالصدر جلب نظر می نماید استفاده وسیع جناب صدرالصدر از کتاب بحارالانوار مجلسی، در ضمن تصریح به مآخذ مجلسی در بحارالانوار است. مثلاً در فصل اول در ذیل اصل چهارم کتاب استدلالیّه جناب صدرالصدر چنین آمده است که: "... در صفحه (۱۴۳) بحارالانوار از کتاب غیبت نعمانی نقل شده..." (۱۸). و در موضعی دیگر در ضمن همین فصل اول در ذیل اصل چهارم چنین آمده است که: "... در صفحه (۳۵) بحار از کتاب کمال الدین و علل الشرایع نقل شده..." (۱۹).

مقصود جناب صدرالصدر در این موارد آن است که نه تنها به مجموعه ای عام و مرجعی کلی نظیر بحارالانوار که مفصل ترین کتاب احادیث اهل تشیع است، استشهاد شود بلکه مآخذ اصلی تر روایات را نیز عرضه دارد تا به استحکام استدلال خود بیفزاید.

در این مقام معرفی مفصل و ارزیابی همه منابعی که مورد اشاره جناب صدرالصدر قرار گرفته میسر نمی باشد اما برای آشنائی مقدماتی با بعضی از کتبی که مورد استفاده آن جناب قرار گرفته مطالب ذیل را با خوانندگان گرامی در میان می گذارد:

- کتاب وسائل که در صفحه هفت استدلالیّه مختصر به آن اشاره نموده اند یکی از کتب عمده و معتبر احادیث اهل تشیع است که به وسیله شیخ محمد بن حسن حرّعاملی با عنوان وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه تألیف شده و به کرات از جمله در بیروت به سال ۱۴۰۳ هـ ق (۱۹۸۲ م) در بیست مجلد انتشار یافته است.

- کتاب کمال الدین صدوق که جناب صدرالصدر در صفحات ۸، ۲۸ و ۳۱ استدلالیّه مختصر خود به آن استشهاد نموده اند نام کاملش کمال الدین و تمام النعمه است که دو جلد آن در یک مجلد به سال ۱۳۹۶ هـ ق (۱۹۷۶ م) در طهران به وسیله کتابفروشی اسلامیّه منتشر شده است.

- کتاب الغیبة نعمانی که جناب صدرالصدور در صفحات ۹، ۲۳ و ۲۶ به مندرجات آن استشهاد نموده‌اند اثر ابن ابی زینب محمدبن ابراهیم نعمانی است. این اثر با ترجمه فارسی محمدجواد غفّاری به وسیله کتابخانه صدوق در طهران به سال ۱۳۶۳ هـ ش (۱۹۸۴ م) طبع و انتشار یافته است.
- کتاب حافظ ابونعیم اصفهانی که در استدلالیه مختصر جناب صدرالصدور به مندرجات آن استشهاد شده، صفحات ۱۰ و ۵۷، اربعین نام دارد که حاوی احادیث مربوط به مهدی منتظر است. حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله اصفهانی صاحب کتاب معروف حلیة الاولیاء نیز می‌باشد.
- کتاب اصول کافی که جناب صدرالصدور به کرات در صفحات ۱۱، ۲۳ و ۷۷ به آن استشهاد فرموده‌اند تألیف محمدبن یعقوب کلینی است که حاوی حدود شانزده هزار حدیث است. کتاب اصول کافی حاوی ذیلی مفصل به نام فروع کافی و روضه کافی است. این کتاب از جمله به سال ۱۳۸۸ هـ ق (۱۹۶۹ م) در طهران به وسیله دارالکتب الاسلامیه در هشت مجلد انتشار یافته که دو جلد اول آن شامل اصول کافی و شش جلد بقیه حاوی فروع و روضه کافی است.
- کتاب ارشاد که در صفحه یازده استدلالیه مختصر به آن اشاره شده، اثر شیخ مفید یعنی محمدبن محمدبن نعمان است که با عنوان الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد تألیف شده و از جمله با ترجمه و شرح فارسی سید هاشم رسولی محلاتی به صورت دو جلد در یک مجلد به وسیله انتشارات علمیّه اسلامیّه در طهران به سال ۱۳۸۷ هـ ق (۱۹۶۲ م) انتشار یافته است.
- کتاب شیخ کمال الدین ابوسالم محمدبن طلحه شافعی موسوم به الدر المنظم که جناب صدرالصدور در صفحه ۱۲ استدلالیه مختصر خود از آن یاد نموده‌اند تحت عنوان الدر المنتظم فی السرّ الاعظم در سال ۲۰۰۴ م، به وسیله مؤسسه دارالهادی در بیروت در ۲۴۴ صفحه طبع و انتشار یافته است.
- کتاب مشارق انوار الیقین اثر شیخ حافظ رجب بن محمد برسی است که از جمله در بمبئی به سال ۱۳۰۳ هـ ق (۱۸۸۶ م) در ۳۰۴ صفحه به طبع رسیده است. مطلبی از امام حسن مجتبی که جناب صدرالصدور در صفحه ۱۰۲ کتاب استدلالیه مختصر خود نقل نموده‌اند، در مشارق انوار الیقین چنین آمده است: "... تجتمع عند صخرة بيت المقدس في كل ليلة جمعة وهي العرش الاذنی ومنها يسقط الله الرزق ويطويها اليها واليها المحشر...". (۲۰)
- کتاب صواعق محرقه ابن حجر، نام کاملش الصواعق المحرقة علی اهل الرفض والضلال و الزندقة است و آن را ابی العباس احمدبن محمد معروف به ابن حجر هیتمی تألیف نموده است.

این کتاب در دو مجلد به وسیله مؤسسه الرسالة در بیروت به سال ۱۹۹۷م، به طبع رسیده که جدیدترین طبع این کتاب می‌باشد. جناب صدرالصدور در صفحه ۵۲ استدلالیه مختصر خود حدیثی را از این کتاب نقل نموده‌اند.

- کتاب الغیبه شیخ طوسی اثر شیخ الطائفه ابی جعفر محمدبن الحسن طوسی است. این کتاب از جمله به وسیله مکتبه نینوی الحدیثه در طهران در ۲۹۲ صفحه طبع و انتشار یافته و در صفحات ۳۱ و ۵۴ کتاب استدلالیه مختصر به مطالب آن استدلال شده است.

غیر از آثار فوق جناب صدرالصدور به ده‌ها کتاب حدیث و تفسیر اسلامی نظیر تفسیر صافی اثر ملامحسن فیض کاشانی، تفسیر قمی اثر علی ابن ابراهیم قمی، تفسیر کشف زمخشری و تفسیر مفصل کشف الاسرار و عده الابرار اثر ابوالفضل ابن ابی سعید رشید الدین میبیدی نیز استشهدا نموده‌اند که معرفی این آثار حتی به اجمال در این مختصر مقدور نمی‌باشد.

حال که درباره دو استدلالیه مفصل و مختصر جناب صدرالصدور مطالب لازمه مطرح گردید نظر به محدودیت این صفحات، دو اثر دیگر آن جناب را به اختصار مد نظر قرار می‌دهد و خوانندگان گرامی را برای مطالعه چند مراسله دیگر ایشان به مطالعه کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور دعوت می‌نماید. یکی از این دو اثر عریضه باقیمانده از جناب صدرالصدور به حضور حضرت عبدالبهاء است که در آن از چگونگی برگزاری مجالس درس و مذاکره خود و فعالیت تلامذ کلاس‌های درس تبلیغ گزارشی مرقوم داشته است. متن این عریضه که فی الحقیقه باید آن را رقعہ رقیّت و رقیمه شوق، انجذاب و عبودیت جناب صدرالصدور دانست در کتاب مصابیح هدایت (۲۱) به طبع رسیده و آئینه کیفیت خدمات آن عالم جلیل است.

اثر دیگر جناب صدرالصدور پیام شوق و اشتیاق و مودتی است که بنا به تشویق و تحریض جناب آقا شیخ محمدعلی قائنی برای احبای عشق آباد مرقوم فرموده و متن این پیام در کتاب محبوب عالم (۲۲) به طبع رسیده و سپس به صورت ضمیمه در انتهای کتاب استدلالیه مختصر صدرالصدور (طبع استرالیا) تجدید طبع گردیده است.

در این پیام جناب صدرالصدور به اهمیّت مواعید قرآنیّه درباره "یوم الله" اشاره نموده و به فرا رسیدن روز قیامت کبری و تحقق "میقات اخذ نتیجه و ثمر" تصریح فرموده است. در نظر جناب صدرالصدور ظهورات گذشته هر یک به منزله شب قدری بوده‌اند که به طلوع و سطوع مظاهر ظهور در هر دوره روشن و منیر گشته‌اند و همه آنها به طلوع یوم عظیم و عصر فخیمی بشارت داده‌اند که

پس از انقضای شب قدر تجلی خواهد نمود. جناب صدرالصدور با شرح و بسط این مطالب انظار دوستان را به عظمت یوم جمال قدم معطوف داشته و نتیجه بحث دلنشین خود را به اینجا رسانده‌اند که:

«... حال باید قدر این عنایت را بدانیم و به شکرانه این نعمت در سبیل خدمت و طریق اطاعت بکوشیم و در ایقاز راقدین و تنبّه غافلین جهد بلیغ و سعی وافی بجا آریم و در راه تربیت نوع و تحصیل رضای محبوب سر از پا نشناسیم و مشتاقانه به کویش قدم گذاریم، چه که پرتو انوار حی قدیر را با تابش قمر منیر تفاوت لایحصری مشهود و عیان است و فرق بی‌منتها در میان...» (۲۳)

حال که درباره چند اثر شناخته شده جناب صدرالصدور مطالب لازمه مطرح گردید، باید اظهار امیدواری نمود که روزی عرایض دیگر ایشان خطاب به حضرت عبدالبهاء و مکاتیبی که به دوستان و آشنایان خود از قبیل جناب آقا شیخ محمدعلی قائنی مرقوم داشته‌اند به دست آید و به دست طبع و انتشار سپرده شود. نشر استدلالیه مفصل ایشان نیز که مشروعی پر زحمت، اما مهم و اساسی محسوب می‌گردد باید در آینده ایام وجهه همت اهل خبرت قرار گیرد و در اختیار علاقمندان به این قبیل مطالعات گذاشته شود.

میراث دیگر جناب صدرالصدور که غیر از آثار قلمی ایشان منشاء خیر و برکت بسیار و باعث تقویت بنیه علمی و فرهنگی جامعه بهائی گشته، همت موفور و سعی مشکور جناب صدرالصدور در "تنبیه نفوس و نشر تعالیم الهی و تربیت نوع انسانی" است که بنا به فرموده حضرت عبدالبهاء "موکول به تعلیم تبلیغ" (۲۴) بوده و آن فاضل گرانمایه سنینی از عمر کوتاه خود را بتمامه وقف آن نموده است. میراث جناب صدرالصدور در تعلیم و تربیت تلامذه درس تبلیغ و تأسیس این مشروع جلیل که بنا به فرموده حضرت عبدالبهاء «... تأسیس ابدی است به تسلسل خواهد رفت" (۲۵)، سبب به وجود آمدن نفوسی گردید که در تاریخ امر بهائی تعدادی از آنان در ردیف مبلغان و حامیان رشید، فداکار و منقطع امر الهی قرار گرفتند و هر یک به نوبه خود منشاء خدمات و اثرات ارزنده در جامعه بهائی گشتند.

درست نمی‌دانیم که در مدت استمرار کلاس‌های درس و مذاکره جناب صدرالصدور که در سال‌های ۱۳۲۱-۱۳۲۴ هـ ق (۱۹۰۳-۱۹۰۶ م) برقرار بوده، دقیقاً چند نفر در آن کلاس‌ها شرکت نموده و کیفیت نظم و ترتیب شرکت کنندگان و برنامه آموزشی آنان و عمق و وسعت مطالعاتشان در چه حدّ بوده است. از شرح جناب نصرالله رستگار در کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور چنین

پیداست که جناب صدرالصدور در سنینی که به این خدمات مشغول بوده‌اند، در ایام مختلفه هفته و برای گروه‌های متعدّد کلاس درس و مذاکره داشته و عده‌ای در سطوح و مراتب مختلفه به درس و تحصیل مطالب استدلالی اشتغال داشته‌اند. اشارات حضرت عبدالبهاء در الواح جناب صدرالصدور حاکی از آن است که:

«... باید آن محفل مقدّس همیشه آراسته باشد و هر سالی نفوسی چند از نهال‌های باغ الهی به فیض اسرار تبلیغ نشو و نما نمایند...» (۲۶)

از خلال آثار حضرت عبدالبهاء خطاب به جناب صدرالصدور و عریضه ایشان به حضور حضرت عبدالبهاء چنین پیداست که کلاس درس تبلیغ جناب صدرالصدور کلاسی مرتّب، با برنامه‌ای منظم و موادّ درسی مشخص بوده و اهل شوق و طلب در آن محافل به تحصیل معارف تبلیغیه مشغول بوده‌اند. لوح حضرت عبدالبهاء که خطاب به جناب میرزا عبدالحسین اردستانی عزّ صدرور یافته و متن آن ذیلاً نقل می‌گردد حاکی از "خواندن درس تبلیغ" و "ضبط ادلّه و براهین الهی در ذهن است" که لزوم جدّیت، ممارست و سعی در آموختن مهارت‌های لازم را جهت توفیق در تبلیغ در ذهن تداعی می‌کند. حضرت عبدالبهاء در لوح مزبور چنین می‌فرماید:

«هو الله به واسطه میرزا یونس خان

جناب میرزا عبدالحسین اردستانی علیه بهاء الله الابهی

هو الله ای یار رحمانی من، آنچه به جناب خان مرقوم نموده بودید ملحوظ گردید فی الحقیقه مضامین شیرین بود چه که دلالت بر ثبوت و تمکین در محبّت نور مبین می‌نمود. بعضی نامه‌ها خواهش نموده بودید نگاشته گشت و ارسال شد.

در خصوص خود شما تکلیف سؤال نموده بودید بهتر آن است که در مجلس حضرت صدر همدانی همه‌دانی درس تبلیغ بخوانی و ادلّه و براهین الهی را در ذهن خویش ضبط نمائی تا بتوانی که محفل هدایت بیارائی و زبان به حجّت و برهان بگشائی، آن وقت تکلیف ثانی معلوم گردد و علیک التّحیّه و الثّناء. ع ع».

و در لوح جناب صدرالصدور چنین آمده است که:

«... جناب آقا علی اکبر رفسنجانی در کمال شوق عازم طهران است که در آن محفل حاضر گردد البته نهایت همّت را در تعلیم او بفرمائید». (۲۷)

درباره کیفیت تشکیل مجالس درس تبلیغ، نقل فقره‌ای از عریضه جناب صدرالصدور به حضور حضرت عبدالبهاء نیز مفید است که در آن از اتمام یک دوره درسی و آغاز دوره جدید و سطوح مختلفه کلاس‌ها و نیز انعقاد دوره‌های تکمیلی سخن رانده‌اند و این اشارات کلّ حاکی از انسجام و انضباط و برنامه‌ریزی دقیق برای این مشروع است که باید به منزله آغاز برنامه‌های آموزشی تبلیغی محسوب گردد.

جناب صدرالصدور در اواخر عریضه خود چنین نوشته‌اند: «... عرض دیگر، مجلس مذاکرات که در این مدّت تأسیس شده چون کلیات مطالب به اتمام رسیده بود دو مجلس دیگر به تأییدات حضرت تشکیل شده که از ابتداء شروع می‌شود. یکی مخصوص اطفال است و یکی راجع به اشخاص شایسته با استعداد که از نفوس قدسیّه هستند و مجلس دیگری هم موقّتی برقرار است که متمّم بعضی مطالب به جهت اجزاء محفل سابق مذاکره می‌شود. از آستان مقدّست تمنا و رجای توفیق و تأیید دارد...» (۲۸)

آنچه بر اساس منابع موجود از جمله کتاب جناب رستگار می‌توان استنباط نمود، آن است که نفوس ذیل در کلاس‌های جناب صدرالصدور شرکت داشته و هر یک بنا به شوق و ذوق و استعداد خود از خرمن فضل و دانش آن استاد توانا خوشه چینی نموده‌اند:

سیدجلال ابن سینا	سیدحسن هاشمی زاده (متوجّه)
میرزا حبیب‌الله ابن محمّدعلی کاشانی	میرزا مهدی اخوان صفا
میرزا تقی خان بهین آئین قاجار	میرزا نصرالله رستگار طالقانی
ضیاءالاطباء گیلانی	آقا میرزا مسیح ارجمند
میرزا احمد شیرازی	میرزا محمود آزاده
حسین ابن محمّدعلی کاشانی جاوید	میرزا جلال نجل میرزا احمد شیرازی
آقا غلامرضا	عنایت‌الله ابن محمّدعلی ارباب کاشانی
حسین بن میرزا اشرف شهید	استاد ماشاءالله
میرزا نبی خان عکّاس لر	عبدالحسین اردستانی رفیعی
میرزا محمودخان بدیعی	میرزا مسیح رستگار طالقانی
میرزا علی اکبررفسنجانی	میرزا ابراهیم خان ارجمند

عبدالله مطلق	رحیم خان ارجمند
حاجی آقا رحمانیان سنگسری	یوسف خان ثابت وجدانی
قربان علی هدایت	محمد خرازی فروش طاهری
روح الله خادم	حبیب الله کاشانی صمیمی
جواد خضرائی مازندرانی	فرج الله مجیدی کاشانی
محمدتقی مرشدزاده خیاط قمی	جلال خضرائی مازندرانی

باید خاطر نشان ساخت که صورت فوق، صورتی جامع و کامل از همه تلامیذ کلاس درس تبلیغ جناب صدرالصدور نمی باشد و چه بسا که بر اثر مراجعه به عرایض ایشان در آینده ایام این صورت تکمیل شود. هر چند اطلاعات لازمه و امکان شرح و بررسی حیات و خدمات همه این نفوس در این مقام فراهم نیست، اما ملاحظه اسامی فوق و دقت در خدمات بعضی از آنان نشان می دهد که فی المثل جناب سیدحسن هاشمی زاده خود مؤسس کلاس های درس اخلاق برای اطفال بهائی شده و در این زمینه گوی سبقت را از دیگران ربوده است. نفوسی نظیر جنابان مهدی اخوان صفا، عبدالله مطلق، یوسف خان ثابت وجدانی و تقی خان بهین آئین سال های متمادی به تبلیغ صدها نفر در سراسر ایران توفیق یافته و در مدارس و مجامع اهل بهاء به نشر معارف و تحکیم مبادی امر الهی پرداخته اند. از طرف دیگر نگاه به کیفیت اقبال و ایمان تعداد معتناهی از اعاظم و افاضل امر مبارک نظیر میرزا محمد ناطق اردستانی، اسدالله فاضل مازندرانی، میرزا احمد خان یزدانی و عبدالحمید اشراق خاوری نشان می دهد که شاگردان جناب صدرالصدور در اقبال و ایمان این نفوس به امر الهی نقش اساسی ایفاء نموده و باعث هدایت آنان به شریعت الله گشته اند.

نگاهی گذرا به اسامی شاگردان و فضلائی که نام چند نفر از آنان بر سیل مثال مذکور شد، نشان می دهد که بسیاری از آنان در ردیف خادمان طراز اول امر الهی در آمده و در میادین تبلیغ، تدریس و خدمات صادقانه در مؤسسات نظم اداری امر الهی گوی سبقت را از دیگران ربوده اند و شرح احوال بسیاری از آنان در ردیف مصابیح هدایت در مجلدات ^۱ گانه آن کتاب مخلد گشته است. (۲۹)

میزان یادگیری، نحوه مطالعات، عمق اندیشه، جامعیت دروس و سایر عناصری که در تدریس و تعلیم شاگردان در مدارس و مراکز تعلیمی مطمح نظر قرار می گیرد، هر چند به جای خود مهم و

سازنده است اما آنچه زیربنای کار تدریس را در اقدامات جناب صدرالصدور تشکیل می‌دهد و از عناصر تعلیمی و مدرسی آن مهم‌تر است، بوجود آوردن روحیه قیام، خدمت و مشارکت عملی در فعالیت‌های تبلیغی و کسب جرأت و شهامت و بنیه ایمانی و فکری برای مقابله با افکار و آراء دیگران است که حیات و خدمات کثیری از تلامیذ جناب صدرالصدور به شکوفائی این عناصر در وجود آنان شهادت می‌دهد و عظمت مقام فکری، تعلیمی و عاطفی جناب صدرالصدور را بر ملا می‌سازد.

دو عنصر اساسی که از مشخصات عمده محافل درس تبلیغ جناب صدرالصدور محسوب می‌شود، یکی اعزام دانشجویان کلاس‌ها به اسفار تبلیغی و دیگری تشویق و تحریض آنان به نوشتن رسائل استدلالی است. مقصود آن است که جناب صدرالصدور امر تدریس معارف تبلیغی را در مقام نظری و ازدیاد اطلاعات صوری دانشجویان محدود نفرموده و با درایت و ذکاوت خود و نیز در پرتو هدایت و حمایت حضرت عبدالبهاء به اهمیّت عملی مواجهه در صحنه محاجّه فکری با اهل انکار و اعراض آگاه بوده و تلامیذ خود را برای رویارویی مستقیم با آراء و افکار دیگران آماده ساخته است. بر اهل بصیرت البتّه واضح است که در کار دانش پژوهی و علم اندوزی نوشتن مقالات و رسائل درسی یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین وسائل آشنائی با منابع و مآخذ مورد مطالعه، یادگیری مطالب، تنظیم و تنسیق افکار و توسعه مهارت‌های زبانی و ادبی است.

به این جهت حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح جناب صدرالصدور که فقره‌ای از آن قبلاً نیز نقل شد چنین می‌فرماید:

«... باید آن محفل مقدّس همیشه آراسته باشد و هر سالی نفوسی چند از نهال‌های باغ الهی به فیض اسرار تبلیغ نشو و نما نمایند و ثمره معرفت‌الله و راز ملکوت‌الله به بار آرند و هر یک رساله استدلالی مرقوم نمایند...» (۳۰)

حقیر گرچه رسالات تلامیذ جناب صدرالصدور را ندیده‌ام ولی صرفنظر از کمیّت و کیفیت این رسالات آنچه در آن مرحله از تاریخ امر مبارک اهمیّت دارد شروع این قبیل مساعی در حلقه دانش پژوهان جناب صدرالصدور و توجّه به اهمیّت این اقدامات در پرورش فکری و ازدیاد بینش و توسعه مهارت‌های جوانان علاقمند به این مطالعات است که وجهه همّت جناب صدرالصدور قرار گرفته است.

حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح آن نفس گراندقدر درباره رسائل تلامید ایشان چنین می‌فرماید:

«... رسائل استدلالیه که از نتایج فکریه تلامذه بود و از پیش ارسال نموده بودید بسیار سبب وجد و سرور گردید...» (۳۱)

با توجه به این بیان مبارک باید امیدوار بود که نسخ بعضی از این رسالات نیز در آینده ایام به دست آید و مورد ارزیابی و مطالعه علاقمندان قرار گیرد.

نکته اخیر آن که میراث جناب صدرالصدور در تأسیس کلاس درس تبلیغ پس از صعود ایشان استمرار و توسعه یافت و کسانی نظیر جناب میرزا محمد نعیم اصفهانی، میرزا حسن ادیب ایادی و سپس ده‌ها معلم جلیل‌القدر دیگر امثال علوی‌ها، اشراق خاوری‌ها، آوارگان‌ها به کار تعلیم و تدریس جوانان بهائی دل سپردند و بیان حضرت عبدالبهاء مصداق کامل یافت که در حق مساعی جناب صدرالصدور فرموده بودند:

«... این تأسیس ابدی است به تسلسل خواهد رفت و روح آن بزرگوار در جهان اسرار الی‌الابد مسرور و پایدار خواهد بود...» (۳۲)

و در رساله قرن انوار به تسلسل مساعی جناب صدرالصدور چنین اشاره شده است:

«... پیشاهنگ این قبیل آموزش و پرورش منظم جناب صدرالصدور معلم محبوب بود که در اوائل قرن بیستم به تعلیم جوانان قیام فرمود و به تدریج سال‌های بعد مدارس تابستانه و زمستانه در ممالک مختلف به وجود آمد و در نقشه‌های اخیر مؤسسات آموزشی بهائی پی در پی به مرحله تجربه رسید...» (۳۳)

یادداشت‌ها

۱- عزیزالله سلیمانی اردکانی، مصابیح هدایت (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۱۸ ب)، ج ۵، ص ۳-۳۹.

۲- نصرالله رستگار طالقانی، کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور (طهران: لجنه ملی نشر آثار امری، ۱۰۴ بدیع).

۳- اسدالله فاضل مازندرانی، ظهورالحقّ (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۳۱ بدیع)، ج ۸، ص ۴۸۰-۴۸۱.

۴- بسیاری از آثار حضرت عبدالبهاء خطاب به جناب صدرالصدور در کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور به طبع رسیده است.

۵- متن زیارت نامه صادره از قلم حضرت عبدالبهاء پس از صعود جناب صدرالصدور در مصابیح هدایت و کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور به طبع رسیده است.

و نیز نگاه کنید به ابتدای کتاب استدلالیه مختصر صدرالصدور (استرالیا: سنچری پرس، ۲۰۰۴ م).

۶- این لوح در کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور (ص ۲۱۲) به طبع رسیده است.

۷- متن تمام این لوح در کتاب مکاتیب عبدالبهاء (قاهره: کردستان العلمیه، ۱۹۱۰ م)، ج ۱، ص ۲۲۹-۲۳۱ به طبع رسیده است.

۸- لوح حضرت عبدالبهاء خطاب به جناب میرزا نعیم سدهی در تشویق ایشان به ادامه مشروع جناب صدرالصدور در مکاتیب عبدالبهاء (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۳۴ ب)، ج ۸، ص ۲۳۶-۲۳۷ به طبع رسیده است.

فقره‌ای از لوح میرزا فرج در مصابیح هدایت (ج ۵، ص ۳۶) مندرج است.

۹- حضرت عبدالبهاء، مکاتیب عبدالبهاء (قاهره: فرج الله زکی الکردی، ۱۹۲۱ م)، ج ۳، ص ۳۲۶.

۱۰- عبدالحمید اشراق خاوری، ایام تسعه (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۱ بدیع)، ص ۴۵۵.

۱۱- علی ممتازی - فاضل یزدی، مناهج الاحکام (طهران: لجنة ملی محفظه آثار، ۱۳۲ بدیع)، شماره ۶، ص ۶۶۸.

۱۲- حضرت عبدالبهاء، مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء (طهران: لجنة ملی محفظه آثار، ۱۳۳ بدیع)، شماره ۵۹، ص ۱۲۰-۱۲۲.

فقره اخیر لوح مزبور در مصابیح هدایت (ج ۵، ص ۲۳-۲۴) و کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور (ص ۴۰ و ۲۰۳) نیز مندرج است.

۱۳- این عبد نگارنده در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی که در مؤسسه ملی مطبوعات امری در طهران خدمت می نمودم، نسخه‌ای از کتاب لمعات خمس را که شاید بیش از ۶۰۰ صفحه بود در دفتر آن مؤسسه ملاحظه و مورد مطالعه قرار داده بودم. جناب نصرالله رستگار در کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور (ص ۲۳۳) درباره نسخ خطی این استدلالیه چنین نوشته اند که: «... آثار قلمی گرانبها

و بی نظیر آن معین علم و دانائی که عبارت از ۳۶ جزوه پاکنویس استدلالیه به خط خوش ایشان و چندین جزوه یادداشت‌های مربوط به استدلالیه و سواد عریضه‌جات که به ساحت اقدس معروض داشته‌اند...» بوده است.

سپس در صفحات ۲۳۷-۲۳۹ کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور درباره نسخ دیگر خطی استدلالیه مفصل جناب صدرالصدور چنین مرقوم داشته‌اند:

«... در سال ۱۳۲۵ [ه ق (۱۹۰۷م)] ... لازم دانسته که نسخه استدلالیه از روی خط معلّم رحمانی حضرت صدرالصدور نوشته شود لذا با اجازه محفل مقدّس روحانی به خطّ جناب شیخ زین العابدین یزدی علیه بهاء‌الله با کمال دقّت تهیّه و به وسیله بنده مقابله شده و نسخه آن موجود بود تا این که در حدود ۱۳۳۰ محفلی به نام محفل محبّت با عضویت چندین نفر از بهائیان معروف ساکن طهران تشکیل شده، برادر بنده هم عضو آن محفل بوده، بنده هم گاهی حاضر می‌شدم. در موضوع استدلالیه صدر دیوان اسرار در آن محفل مذاکره شد که خوب است حقّ الزحمه‌ئی به جناب شیخ زین العابدین داده و این کتاب به ساحت اقدس مرکز میثاق تقدیم شود. اعضاء آن محفل با کمال روح و ریحان قبول نموده، آن کتاب مستطاب را خریداری و به حضور مبارک محبوب آفاق روح من فی الوجود لفضله وجوده الفداء تقدیم نمودند. از ساحت اقدس لوح مقدّسی به خطّ مبارک به افتخار اعضاء محفل محبّت عنایت شده و بی نهایت اظهار سرور از تقدیم آن کتاب و در آخر لوح امر به طبع آن می‌فرمایند...».

متن لوح مبارک حضرت عبدالبهاء خطاب به اعضای محفل محبّت که جناب رستگار در شرح فوق به آن اشاره نموده‌اند، در صفحات ۱۶۴-۱۶۵ کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور به طبع رسیده و متن آن چنین است:

«هوالله»

طهران اعضای محترم محفل محبّت حضرت صنیع السلطان، حضرت میرزا حاجی آقا، حضرت حاجی محمد یزدی، حضرت میرزا مسیح طالقانی، حضرت حاجی عبدالصمد، حضرت نصرالاطباء، حضرت احمد علی خان قزوینی، حضرت حاجی محمدجواد، حضرت آقا میرزا فتح‌الله خان، حضرت میرزا فرج‌الله خان، حضرت میرزا اسحق خان، حضرت حاجی میرزا یعقوب، حضرت میرزا آقا خان قائم مقامی، حضرت احمدعلی خان [نظمیه]، حضرت عبدالحسین خان، حضرت معاون الملک علیهم بهاء‌الله الابهی

هو الله ای حبیبان در جهانی مانند سقف مینائی از کرانی تا کرانی دریای آبی آبی امواج مانند افواج پیایی مهاجم و هرکس به حرکتی و به شغلی مألوف و قائم، اما عبدالبهاء بیاد یاران موافق و به تحریر متسلی خاطر نامه شما و استدلالیه حضرت صدر دیوان اسرار و بدر تابان ابرار کوکب درخشنده افق عرفان و قوه روح بخشنده ایمان و ایقان رسید و از مضمون نامه نهایت شادمانی حصول یافت. فی الحقیقه در این خصوص نهایت همت مبذول داشته‌اید و عبدالبهاء را خوشنود کرده‌اید جزاکم الله تأییداً غیبیاً ربانیا مقصود این بود که اثر کلک آن سید ابرار از میان نرود حال الاکرام بالاتمام آن کتاب کریم را همت فرمائید تا طبع شود و علیکم البهاء الابهی و التّحیة و الثّناء».

سپس جناب رستگار در ادامه توضیحات خود درباره نسخ خطی کتاب استدلالیه مفصل جناب صدرالصدور در صفحات ۲۳۸-۲۳۹ کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور چنین مرقوم داشته‌اند:

«... از روی خط جناب شیخ زین العابدین هریک از اعضاء محفل محبت چندین صفحه به خط خود استنساخ نموده، چندین صفحه آخر آن هم به خط بنده است و این استدلالیه خطوط مختلفه جلد شده و ۱۰۰۳ صفحه است و در نزد جناب حاجی آقا محمد یزدی معروف علیه بهاء الله که عضویت محفل محبت را داشته بوده، موقعی که بنده تقریباً هفت سال متوالی از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۵ هجری به عضویت و همچنین خلاصه نویسی محفل مقدس روحانی طهران و مرکزی ایران افتخار داشته و به همت و تدبیر جناب عزت الله خان علائی دام توفیقه که در آن موقع عضو محفل بوده از جناب حاجی آقا محمد گرفته و به محفل داده شد.

بعد از صعود مبارک یک نسخه استدلالیه مشروح و جامع حضرت صدرالصدور از محفل مقدس روحانی خراسان به محفل مقدس روحانی طهران فرستاده شد. تصور می‌رود که آن استدلالیه به خط شهید سعید عالم روحانی حضرت آقا شیخ علی اکبر قوچانی روحی لانه‌جذابه الفداء باشد زیرا ایشان بعد از تبعید از خراسان از ۱۳۲۵ تا اواسط سال ۱۳۲۶ هجری در طهران مشغول خدمات امریه بودند و در محافل بنده و سایر احباب به زیارت ایشان نائل و کامیاب می‌شدیم. تصور می‌رود از روی استدلالیه خط جناب شیخ زین العابدین نوشته باشند. پس از وصول این کتاب از طرف محفل مقدس روحانی طهران به بنده و فاضل نحریر آقا سید عباس علوی خراسانی دامت توفیقاته العالیه و دوسه نفر دیگر امر شد این کتاب را مقابله نمائیم و اقدام شد. نسخه ارسالی خراسان از

طرف محفل مقدّس به ساحت اقدس مولای بی‌همتا تقدیم گردید و نسخه خطوط مختلفه نزد بنده باقی مانده است که جزو سایر آثار آن حمامه حدیقه بقا به محفل مقدّس تسلیم می‌شود. زائد بر این سه جلد بنده اطلاع و در نظر ندارم که از استدلالیه مفصّل و مشروح آن منبع علم و عرفان نسخه استنساخ شده باشد...».

سپس مجدداً درباره نسخ خطّی استدلالیه مفصّل جناب صدرالصدور در صفحه ۲۴۰ کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور جناب رستگار چنین ادامه مطلب داده‌اند:

«... استدلالیه و جزوات مربوط به تألیف حضرت صدرالصدور که بنده به خطّ خود در دوره تحصیل درس تبلیغ نوشته‌ام و جلد شده موجود می‌باشد و خیلی دقت در صحت آن شده، ۶۰۹ صفحه است.

ضمناً این نکته را به عرض می‌رساند: مرحوم آقا میرزا علی اکبر رفسنجانی علیه الرحمة و الغفران در سال ۱۳۲۳ هجری به موجب امر مبارک به طهران آمده و در حوزه درس تبلیغ حضرت واقف اسرار با کمال جدّیت حاضر و مشغول تحصیل شده، ممکن است ایشان به نوشتن استدلالیه مشروح موفق شده باشند و به طوری که اطلاع حاصل نموده، کتب امریه و نوشتجات آن مرحوم در دست برادر و منسوبان غیر ایشان می‌باشد...».

۱۴- نگاه کنید به ابتدای استدلالیه مختصر صدرالصدور.

۱۵- همان مأخذ

۱۶- همان مأخذ، ص ۶۶.

۱۷- همان مأخذ، ص ۱۱۰.

۱۸- همان مأخذ، ص ۲۲.

۱۹- همان مأخذ، ص ۲۸.

۲۰- حافظ رجب بن محمد البرسی، مشارق انوار الیقین (بمبئی: شیخ علی المحلاتی، ۱۳۰۳ ه ق)، ص ۱۱۰.

۲۱- مصابیح هدایت، ج ۵، ص ۲۸-۳۲. متن این عریضه در کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور (ص ۱۱۷-۱۲۱) نیز به طبع رسیده است. هر چند عریضه مزبور فاقد تاریخ است اما بر اساس قرائن موجود در این کتاب (ص ۱۲۶) عریضه مزبور در حدود اوائل شوال سنه ۱۳۲۴ ه ق (نوامبر ۱۹۰۶ م) مرقوم شده است.

غیر از این عریضه، عریضه دیگری نیز که جناب صدرالصدور به حضور حضرت عبدالبهاء ارسال داشته‌اند در صفحات ۱۰۱-۱۰۵ کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور به طبع رسیده است. صورت چند مراسله جناب صدرالصدور خطاب به تلامذه کلاس درس تبلیغ نیز در صفحات ۱۲۵-۱۳۷ کتاب مزبور مندرج است.

۲۲- محبوب عالم (کانادا: عندلیب، ۱۹۹۳م)، ص ۵۷-۶۱.

۲۳- استدلالیه مختصر صدرالصدور، صفحه "ک" در بخش ضمایم.

۲۴- کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور، ص ۱۴۷.

۲۵- نگاه کنید به لوح جناب سررشته‌دار که در صفحات قبل نقل گردید.

تمام این لوح در کتاب مصابیح هدایت (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات، ۱۲۳ بدیع)، ج ۳، ص ۴۴۹-۵۰۱ به طبع رسیده است.

۲۶- مصابیح هدایت، ج ۵، ص ۲۷.

۲۷- این لوح و لوح جناب میرزا عبدالحسین اردستانی که در فوق نقل شد در صفحات ۱۴۲-۱۴۳ و ۱۵۸-۱۵۹ کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور مندرج است.

۲۸- همان مأخذ، ص ۳۱-۳۲.

۲۹- برای مثال نگاه کنید به شرح احوال نفوس ذیل در مجلدات مصابیح هدایت تألیف جناب عزیزالله سلیمانی اردکانی:

میرزا تقی خان بهین آئین، ج ۹

میرزا یوسف خان ثابت وجدانی، ج ۲

آقا محمدنعیم سدهی، ج ۳

آقا میرزا محمد ناطق اردستانی، ج ۳

آقا میرزا مهدی اخوان الصفاء، ج ۴

آقا میرزا عبدالله مطلق، ج ۴

میرزا حاجی آقا رحمانیان سنگسری، ج ۴

آقا سید حسن متوجه (هاشمی زاده)، ج ۶

میرزا اسدالله فاضل مازندرانی، ج ۷

عبدالحمید اشراق خاوری، ج ۹

احمد یزدانی، ج ۹

۳۰- مصابیح هدایت، ج ۵، ص ۲۷

۳۱- کتاب تاریخ حضرت صدرالصدور، ص ۱۴۷

۳۲- نگاه کنید به لوح جناب سررشته‌دار که در صفحات قبل نقل شد.

۳۳- مرکز جهانی بهائی، قرن انوار (دارمشتات: عصر جدید، ۲۰۰۲م)، ترجمه هوشمند فتح اعظم،

ص ۹۳